

تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر سهم زنان روستایی از درآمد خانوار: مطالعه موردی شهرستان دیواندره

محمدصادق علیایی^۱، احمد رضوانفر^۲ و مرتضی اکبری^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم، تحقیقات تهران، دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی،

دانشگاه تهران، دانشجوی دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۲۵

چکیده

در این مقاله ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر سهم زنان مناطق روستایی شهرستان دیواندره از درآمد خانوار مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش از نوع کاربردی، و روش آن از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری مورد نظر تعداد ۱۷۷۰ نفر زنان سرپرست خانوار واقع در ۴ دهستان شهرستان دیواندره بوده و تعداد ۱۷۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه‌ای بود که روایی صوری آن براساس نظر جمعی از استادان و صاحب‌نظران تأیید و پایایی آن با استفاده از فرمول کرونباخ- آلفا بالاتر از $\alpha=0/7$ تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSSwin11.5 انجام گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین متغیرهای تعداد فرزندان، ارزش نیروی کار زنان، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده، میزان تحصیلات و میزان باور به سنت‌های اجتماعی همبستگی و متغیر دوم (سهم زنان روستایی در درآمد خانوار) رابطه معنی‌داری وجود دارد. براساس نتایج به‌دست آمده از تحلیل رگرسیونی ۵ متغیر شامل تعداد فرزندان، ارزش نیروی کار زنان، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده، میزان تحصیلات و میزان باور به سنت‌های اجتماعی در مجموع ۶۷ درصد سهم زنان روستایی در درآمد خانوار را تبیین نمود. همچنین نتایج به‌دست آمده از تحلیل مسیر نشان داد ۲ متغیر تعداد فرزندان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده به‌صورت مستقیم و ۳ متغیر اعتقاد به سنت‌ها و باورهای اجتماعی، نیروی کار و تحصیلات به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته (سهم زنان روستایی در درآمد خانوار) تأثیر گذاشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی، درآمد خانوار

مقدمه

توجه سازمان‌های بین‌المللی به نقش زنان در فرایند توسعه و نام‌گذاری سال ۱۹۷۵ به‌عنوان سال جهانی زنان و دهه ۸۵-۱۹۷۶ به‌عنوان دهه زنان، توجه به نقش زنان روستایی در فرایند توسعه با محدودیت‌هایی روبرو است. بررسی‌های صورت گرفته در بیشتر کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که زنان روستایی در فعالیت‌های

بیش از نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه، در روستا زندگی می‌کنند، بدیهی است نقش روستاییان و به‌ویژه زنان روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی انکارناپذیر می‌باشد (بویمایل و سامپا، ۲۰۰۵). به‌رغم

* - مسئول مکاتبه: arezvan@ut.ac.ir

مزرعه را نیز انجام می‌دهند. زنان روستایی در بسیاری از امور مربوط به کاشت، داشت و برداشت محصولات مختلف کشاورزی و نگهداری و پرورش دام و طیور و تولید فعالیت می‌کنند و در بسیاری موارد، نقش سنگین‌تری نسبت به مردان بر عهده دارند. با این حال اغلب از موقعیت اجتماعی پایین‌تری برخوردار بوده و ارزش واقعی کار آنها به‌عنوان نیروی کار کشاورزی به درستی تعریف نمی‌شود (نواب‌اکبر، ۱۹۹۶).

توجه به این نکته که زنان در کانون اصلی توسعه قرار دارند، دارای اهمیت بسیار می‌باشد «زیرا آنان اغلب اقتصاد غیرپولی را با پرورش نسل و تربیت نیروی انسانی و مدیریت اجرایی امور خانواده و کشاورزی معیشتی در کنترل خود دارند. این در حالی است که نقش تولیدی زنان روستایی در امور کشاورزی همواره به صورت‌های پنهان مطرح بوده و کمتر تجلی اقتصادی و اجتماعی یافته و شاید نامرئی‌ترین مشارکت‌کنندگان در فرآیند اقتصادی باشند» (فانی، ۱۹۹۶).

بیشتر زنان روستایی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته به‌عنوان عناصر حاشیه‌ای و غیرفعال برشمرده می‌شوند. این در حالی است که زنان روستایی مزدی در مقابل کارشان دریافت نمی‌کنند. آنان به تدریج از فعالیت‌های توسعه‌ای هم‌چون سوادآموزی، آموزش مهارت‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد و ارتباط با بازار کار محروم می‌شوند و در نتیجه به‌علت عدم دریافت دستمزد، فقیر و پست به شمار می‌آیند که این امر می‌تواند پیامدهای منفی و مخرب پیش‌بینی نشدنی برای کل ساختار جامعه داشته باشد (مرکز مشارکت زنان، ۲۰۰۰).

با این که زنان در بیشتر جوامع بیش از مردان کار می‌کنند، «در محاسبات اقتصادی نقش آنان کم‌رنگ تلقی شده، و یا اصلاً به حساب نمی‌آیند و این اجحاف گسترده است که حتی تا چندی پیش تولید زنان در بخش غیررسمی در آمار جهانی نیز منعکس نمی‌گردد و در مجموع دولت‌مردان، سرمایه‌گذاری بر روی زنان را یا اصولاً لازم ندانسته یا به آن کم بها می‌دهند» (امیری، ۱۹۹۴). به طوری که فرهنگ دنیاگریزی، این عقیده را در

اقتصادی نسبت به مردان زمان بیشتری را صرف نموده و از مشقت کاری بیشتری برخوردار هستند. فروک^۱ «در بررسی‌های خود در زمینه تقسیم کار در تعدادی از مناطق شهری و روستایی بنگلادش نشان داده که زنان ناگزیرند روزانه نزدیک به ۱۰ تا ۱۳ ساعت صرف کارهای تولیدی کنند، که کار و فعالیت آنها در زمینه تولید بیشتر از نوع کاری است که مرد به‌عنوان سرپرست خانواده علاقه به انجام آن نشان نمی‌دهد» (قلی‌زاده، ۱۹۹۸). میزان مشارکت زنان در مناطق مختلف در فعالیت‌های کشاورزی متفاوت است و به عوامل متعددی مانند خصوصیات فرهنگی، منطقه، نوع نظام بهره‌برداری، خصوصیات طبیعی و عوامل اقتصادی حاکم بر منطقه بستگی دارد. همچنین ترکیب اعضای خانواده و نوع فعالیت‌های کشاورزی بر آن مؤثرند (بوذری، ۲۰۰۰).

تحقیق‌های فائو در خاور نزدیک نشان می‌دهد که زنان ۱۹ ساعت از روز خود را صرف تولیدات زراعی و دامی، جمع‌آوری هیزم و تأمین آب مصرفی می‌نمایند (کاسناک‌اوغلو، ۲۰۰۶). براساس گزارش سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد در خصوص وضعیت زنان عنوان شده که زنان دو برابر مردان در فعالیت‌های کشاورزی فعالیت می‌نمایند (اودام و همکاران، ۲۰۰۲؛ سنایت، ۲۰۰۰). سهم نیروی انسانی زنان که در فعالیت‌های تولیدی مشارکت می‌کنند بر حسب مناطق جغرافیایی، متفاوت است. این میزان در منطقه صحرای آفریقا، ۴۶ درصد، شمال آفریقا و خاورمیانه ۳۱ درصد، آسیا ۴۵ درصد و نواحی کارائیب ۴۰ درصد از نیروی کار کشاورزی می‌باشد. (آگهی، ۱۹۹۸؛ فائو، ۲۰۰۶).

در ایران نیز زنان روستایی همانند سایر کشورها به صورت‌های گوناگون در عرصه‌های کشاورزی و غیرکشاورزی فعال می‌باشند. براساس یک تقسیم کار کلی، معمولاً گفته می‌شود که امور منزل به عهده زنان و فعالیت‌های بیرون از خانه به عهده مردان است، ولی این رویه در نواحی روستایی اعتبار زیادی ندارد، زیرا زنان روستایی علاوه بر انجام فعالیت‌های خانه‌داری، فعالیت‌های

رسول‌پورعربی (۱۹۹۶) در تحقیق خود به بررسی نقش زنان در فعالیت‌های روستایی شهرستان رامسر پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که بیش از ۹۶ درصد از زنان روستایی، دست‌کم دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده بودند. اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنان تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. نتایج تحقیق وی همچنین نشان داد که زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده خود مالک عوامل تولید نیستند. به همین دلیل به‌رغم حضور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی در استفاده از اعتبارات دولتی با موانع متعددی رو به رو هستند. این تحقیق نشان داد که انگیزه فعالیت بیش از ۸۷ درصد زنان مورد مطالعه تأمین نیازهای اقتصادی خانواده بوده است.

باست (۱۹۹۴) در تحقیقی به بررسی میزان مشارکت زنان در کشور کانادا پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان بین سال‌های ۹۲-۱۹۹۰ در اثر رکود اقتصادی اندکی کاهش داشته و کاهش میزان مشارکت زنان جوان‌تر بیشتر از سایر زنان بوده است. با توجه به این زنان جوان ۲۰ درصد نیروی کار زنان در کانادا را تشکیل می‌دهند، کاهش‌های سریع مشارکت این گروه با رشد ضعیف نسبت به زنان مسن‌تر همراه شده و در مجموع باعث افت میزان مشارکت زنان شده است. نینهار ران جان و سان جاری کومار (۲۰۰۳) نشان دادند که در ایالت‌ها و مناطق هندوستان، ایالاتی که از فقرای بیشتری برخوردارند، تمرکز بیشتری بر کارگران کشاورزی دارند. در بخش کشاورزی حضور زنان بسیار چشم‌گیر بوده، ولی با این وجود، به‌رغم افزایش میزان مشارکت زنان، وضعیت اقتصادی آنها بهبود نیافته است.

نتایج بررسی‌های موحد و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد عواملی چون اشتغال و تحصیلات زنان و مادران آنان تأثیر عمده‌ای را در تغییر روابط موجود در جامعه و خانواده به همراه داشته است. این امر نشان می‌دهد که با گسترش تحصیلات و اشتغال زنان تغییر روابط در خانواده امری

بین مردان ایجاد می‌کند که از ورود زنان به عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کنند، و زنان را هم به این باور رسانده که در حصار تنگ و محدود زندگی‌شان محبوس شوند و به آنچه هستند و هر آنچه دارند، قانع باشند (لهسایی‌زاده، ۲۰۰۰). حتی قوانین ناظر بر خانواده هم دارای پیام تلخ و گزنده است و اگر خوب بررسی نشوند برخلاف مشارکت عمل می‌کنند. به‌طوری‌که براساس قانون مدنی، اشتغال زنان باید با اجازه شوهر باشد و زنان بدون جلب رضایت شوهر نمی‌توانند در خارج از منزل مشغول به کار شوند (کار، ۱۹۹۹).

تمامی محققان و نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی و توسعه، در این که زنان روستایی نیز باید مانند مردان به نیروهای توانا مبدل شوند، اتفاق نظر دارند. در حالی‌که آنچه موجب بروز برخی تفاوت‌ها بین عقاید اندیشمندان می‌گردد، چگونگی تجهیز و توانا ساختن زنان است، اما در این خصوص اختلافات موجود تنها در اولویت‌بندی عوامل لازم جهت توانا ساختن زنان مطرح می‌باشد. در عین حال با توجه به این‌که شکل فعالیت‌ها در نواحی روستایی منطقه مورد مطالعه اغلب به‌صورت بهره‌برداری خانوادگی صورت می‌گیرد و بخش مهمی از زنان روستایی در قسمت کشاورزی و زیرمجموعه‌های آن فعال می‌باشند. پس بنابر نظر تئودور شانین^۱، زنان در اقتصاد خانواده نقش مهمی به‌عهده دارند (ازکیا، ۱۹۹۸).

موقعیت جغرافیایی منطقه یکی از عوامل مؤثر در مشارکت زنان است، که در برخی از نواحی کشور موجب شرکت بیشتر و وسیع‌تر زنان در امور کشاورزی و فعالیت‌های جنبی آن می‌شود (شادی‌طلب، ۲۰۰۲). در برخی از مناطق، زنان روستایی به فعالیت دامداری می‌پردازند به‌عنوان مثال در کرمانشاه، کردستان و ایلام ۲۱ درصد چرا، ۴۶ درصد تعلیف، ۶۳ درصد مراقبت، ۹۳ درصد شیردوشی بر عهده زنان روستایی است (شادی‌طلب، ۲۰۰۲). زنان از اولین مراحل کشاورزی، در امر زراعت و کشاورزی بسیار فعال بوده‌اند، اما میزان این فعالیت به عوامل گوناگون از قبیل منطقه جغرافیایی، نوع کار و فناوری، بستگی داشته است (نیک‌خلق، ۲۰۰۴).

۳- بررسی میزان تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر روی میزان سهم زنان در درآمد خانوار.

مواد و روش‌ها

این پژوهش بر مبنای راهبرد پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق ۱۷۷۰ نفر از زنان روستایی و سرپرست خانواده روستاهای شهرستان دیواندره می‌باشد، که براساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب؛ با توجه به فرمول کوکران تعداد ۱۷۷ نفر از ۴ دهستان (قراتوره- چهل چشمه- حسین‌آباد شمالی و اوباتو) و از هر دهستان به تعداد ۵ روستا، انتخاب شده است. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران تعداد ۱۷۷ نفر تعیین شد. ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه‌ای بود که روایی صوری آن براساس نظر جمعی از استادان و صاحب‌نظران دانشگاه تهران به‌دست آمد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS win11.5 تجزیه و تحلیل شدند. به‌منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در خارج از جامعه مورد مطالعه توزیع گردید و پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات، ضریب اعتبار کرونباخ- آلفا $\alpha=0.7$ به‌دست آمد، که نشان داد پرسش‌نامه از پایایی مناسب برخوردار بوده است. جهت سنجش متغیر وابسته (سهم زنان در درآمد خانواده) میزان فعالیت‌های انجام‌شده توسط زنان در ارزش افزوده آن (قیمت واحد نیروی کار) ضرب و در نهایت بر میزان کل فروش محصولات تقسیم شد. متغیر ارزش نیروی کار زنان نیز از طریق سهم زنان از مشارکت در فعالیت‌ها بر مجموع سهم زنان و مردان و در نهایت ضرب در ۱۰۰ شده و ارزش نیروی کار زنان محاسبه شد. برای سنجش متغیر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در قالب ۳ زیرمجموعه (تأمین هزینه، مصرف درآمد و سرمایه‌گذاری) با استفاده از طیف لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه‌گیری شدند. همچنین متغیر اعتقاد به سنت‌های اجتماعی نیز در قالب گویه‌هایی با استفاده از طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفتند. در

ضروری به نظر می‌رسد، چنان‌چه در بررسی نگرش زنان در این رابطه به وضوح دیده می‌شود درصد بالایی از زنان تحصیل‌کرده و شاغل رویه‌های سنتی موجود در توزیع قدرت و منابع در خانواده را توسط جنسیت به رسمیت نمی‌شناسند. افزون بر عامل سواد و اشتغال، پایگاه اجتماعی خانواده زن از جمله خانواده پدری یا خانواده فعلی او تأثیر عمده‌ای بر توزیع قدرت در خانواده و میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دارد.

نتایج به‌دست آمده از یافته‌های قلبی‌پورسلیمانی (۲۰۰۲) نشان داد زنان روستایی در اقتصاد خانوار روستایی نقش زیادی دارند. براساس یافته‌های این پژوهش آنها دوشادوش مردان در اقتصاد خانواده نقش ایفا می‌کنند، زنان روستایی با کار در مزارع برنج به‌میزان "خیلی زیاد" در جهت کسب درآمد برای خانواده فعالیت می‌کنند. مهم‌ترین فعالیت اقتصادی زنان در خانوار روستایی کار در مزارع شالی‌کار است. نقش درآمدزایی زنان روستایی از طریق مشارکت در کاشت سبزیجات محلی بیش از حد "متوسط" است، زنان روستایی از طریق تولید فرآورده‌های لبنی نه تنها در جهت تأمین مصارف خانواده، بلکه جهت عرضه به بازار نیز نقش "خیلی زیادی" دارند.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، در مجموع زنان روستایی در ۴ حوزه زیر فعالیت دارند: امور زراعی و باغی؛ فعالیت‌های مربوط به امور دام و طیور؛ صنایع دستی روستایی و خدمات خانه‌داری. با توجه به موارد بالا هدف کلی این تحقیق تحلیل عوامل اقتصادی، اجتماعی مؤثر بر سهم زنان مناطق روستایی شهرستان دیواندره از درآمد خانوار بوده؛ که در راستای دسترسی به هدف کلی، به اهداف اختصاصی زیر پرداخته شده است:

۱- شناخت و بررسی فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در بخش‌های مختلف کشاورزی، صنایع دستی و دامداری در منطقه مورد مطالعه؛

۲- بررسی میزان همبستگی بین عوامل مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی و سهم آنان در درآمد خانوار و...

۶۰۰-۹۰۰ هزار تومان و ۱۱/۳ درصد کمتر از ۶۰۰ هزار تومان در سال بود. در ادامه میزان فعالیت‌های زنان روستایی در امور مربوط به زراعت و باغبانی، امور دام و صنایع دستی اندازه‌گیری شد که به صورت دو دسته زنانی که در فعالیت‌ها مشارکت داشتند و مشارکت نداشتند، طبقه‌بندی شدند (جدول‌های ۱، ۲ و ۳).

نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین میزان مشارکت زنان در محصولات گندم و نخود و بالای ۸۰ درصد و کمترین میزان مشارکت آنها مربوط به محصولات لوبیا (۹/۶)، آفتابگردان (۷)، توتون و کنجد (۹/۶) بوده است.

تحقیق حاضر از دو دسته آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و...) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر) استفاده شده است.

نتایج

آمار توصیفی: نتایج تحقیق نشان داد ۵۴ درصد زنان روستایی بین ۶-۸ ساعت به فعالیت‌های کشاورزی و صنایع دستی مشغول بودند، ۲۰ درصد آنها بالای ۸ ساعت و ۲۶ درصد از آنها کمتر از ۶ ساعت مشغول فعالیت بوده‌اند. ۵۸ درصد سهم زنان روستایی از درآمد خانوار بالاتر از ۹۰۰ هزار تومان در سال، ۳۰/۵ درصد بین

جدول ۱- وضعیت فعالیت زنان روستایی در امور مربوط به زراعت و باغبانی.

وضعیت فعالیت				نوع فعالیت	نوع محصول
مشارکت		عدم مشارکت			
فراوانی نسبی	درصد	فراوانی نسبی	درصد		
۱۴۳	۸۰/۸	۳۴	۱۹/۲	درو- بوجاری- خرمن کوبی- آماده نمودن خرمن جدا کردن کاه از دانه	گندم
۱۰۹	۶۱/۶	۶۸	۳۸/۴	درو- بوجاری- خرمن کوبی- آماده نمودن خرمن جدا کردن کاه از دانه	جو
۱۵۹	۸۹/۹	۲۸	۱۰/۱	برداشت- خرمن کوبی- جدا کردن کاه از دانه- بوجاری	نخود
۲۷	۱۵/۳	۱۵۰	۸۴/۷	برداشت- خرمن کوبی- جدا کردن کاه از دانه- بوجاری	عدس
۱۷	۹/۶	۱۶۰	۹۰/۴	برداشت- وجین	لوبیا
۱۰۷	۶۰/۵	۷۰	۳۹/۵	خرد کردن- انبار کردن	نباتات علوفه‌ای یونجه، اسپرس و...
۷۷	۴۳/۵	۱۰۰	۵۶/۵	برداشت سبزی- وجین- آبیاری	سبزی کاری
۷۷	۴۳/۵	۱۰۰	۵۶/۵	برداشت- وجین- آبیاری	صیفی کاری
۳۱	۲۱	۱۴۶	۷۹	میوه چینی	باغ‌داری
۱۷	۹/۶	۱۶۰	۹۰/۴	نشاء کاری- وجین	توتون کاری
۱۷	۹/۶	۱۶۰	۹۰/۴	برداشت- روغن کشی	کنجد
۱۲	۷	۱۵۵	۹۳	برداشت	آفتابگردان

خانوار رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین متغیرهای مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده با ضریب همبستگی ($F=0/390$) در سطح $0/01$ و متغیر میزان تحصیلات با ضریب همبستگی ($F=0/410$) در سطح $0/01$ و میزان اعتقاد به سنت‌های اجتماعی با ضریب همبستگی ($F=0/265$) در سطح $0/05$ با متغیر سهم زنان در درآمد خانوار رابطه معنی دار و مثبتی برقرار است.

تحلیل رگرسیونی سهم زنان روستایی در درآمد خانوار بر روی متغیرهای مستقل: در خصوص برآورد متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مندرج در جدول (۵) همان‌طور که ضریب تعیین تعدیل‌یافته ($Adjusted R^2=0/67$) نشان می‌دهد ۶۷ درصد تغییرات متغیر وابسته سهم زنان روستایی در درآمد خانوار به وسیله ۵ متغیر تعداد فرزندان، ارزش نیروی کار زنان، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده، میزان تحصیلات و باور به سنت‌های اجتماعی تبیین می‌شود. میزان F نیز در جدول یاد شده در سطح ۱ درصد ($0/000$ = سطح معنی داری) معنی دار شده که بیانگر معنی دار بودن معادله رگرسیون می‌باشد.

از نظر میزان مشارکت در واحدهای دامی نتایج تحقیق نشان داد که ۸۳ درصد از زنان در فعالیتهای دامپروری (شیردوشی، تغلیف دام‌ها، رسیدگی به بیماری‌ها، جابه‌جایی دام، پرواربندی، تمیز کردن اصطبل) مشارکت دارند و کمترین میزان مربوط مشارکت مربوط به فعالیتهای زنبورداری (سرکشی به کندوها، بچه‌گیری، تغذیه، برداشت عسل، تبدیل کندو) با ۲۷ درصد بوده است.

در زمینه صنایع دستی، میزان مشارکت زنان در فعالیتهای قالی‌بافی (۸۶)، نخ‌ریسی ($73/4$) به نسبت سایر فعالیتهای بالا و در زمینه‌های جوراب‌بافی ($31/6$) و سجاده‌بافی ($31/6$) کمتر از بقیه صنایع دستی بود.

ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و میزان سهم زنان روستایی در درآمد خانوار: طبق نتایج به‌دست آمده از جدول ۴ بین متغیر تعداد فرزندان با ضریب همبستگی ($F=0/254$) و متغیر میزان سهم زنان روستایی در درآمد خانوار رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به این معنی که هر اندازه تعداد فرزندان خانواده بیشتر باشد، سهم زنان در درآمد خانوار کاهش خواهد یافت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیر میزان ارزش نیروی کار زنان ($P=0/01$ و $F=0/230$) و متغیر سهم زنان در درآمد

جدول ۲- وضعیت فعالیت زنان روستایی در امور دام، زنبورداری و طیور.

واحد فعالیت	نوع فعالیت	وضعیت فعالیت			
		مشارکت		عدم مشارکت	
		فراوانی نسبی	درصد	فراوانی نسبی	درصد
دامپروری	شیردوشی، تغلیف دام‌ها، رسیدگی به بیماری‌ها، جابه‌جایی دام، پرواربندی، تمیز کردن اصطبل	۸۳	۱۴۷	۱۷	۳۰
پرورش طیور	آب و دانه‌دادن، جوجه‌کشی، رسیدگی به بیماری‌ها، جمع‌آوری تخم‌ها، جابه‌جایی	۷۷	۱۳۶	۲۳	۴۱
زنبورداری	سرکشی به کندوها، بچه‌گیری، تغذیه، برداشت عسل، تبدیل کندو	۲۷	۳۷	۷۳	۱۴۰

جدول ۳- فعالیت زنان روستایی در صنایع دستی.

وضعیت فعالیت				نوع فعالیت
عدم مشارکت		مشارکت		
درصد	فراوانی نسبی	درصد	فراوانی نسبی	
۱۴	۲۵	۸۶	۱۵۲	قالی بافی
۳۴	۶۱	۶۶	۱۱۶	گلیم بافی
۶۸/۴	۱۲۱	۳۱/۶	۵۶	جوراب بافی
۶۶	۱۱۷	۳۴	۶۰	سجاده بافی
۶۸/۴	۱۲۱	۳۱/۶	۵۶	دستکش بافی
۲۶/۶	۴۷	۷۳/۴	۱۳۰	نخ ریزی
۶۳/۳	۱۱۲	۳۶/۷	۶۵	پلاس بافی

جدول ۴- میزان همبستگی متغیرهای تحقیق با سهم زنان روستایی در درآمد خانوار.

متغیر	ضریب همبستگی "r"	سطح معنی داری
تعداد فرزندان	-۰/۲۵۴	۰/۰۱۲*
ارزش نیروی کار زنان	۰/۲۳۰	۰/۰۱**
مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی خانواده	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰**
میزان تحصیلات	۰/۴۱	۰/۰۱**
اعتقاد به سنت های اجتماعی	۰/۲۶۵	۰/۰۵*

* معنی داری در سطح ۱ درصد، * معنی داری در سطح ۵ درصد.

جدول ۵- ضرایب رگرسیون چندمتغیره گام به گام- متغیر وابسته تحقیق.

متغیر مستقل	B	Sig.	R	R ^۲
تعداد فرزندان	-۰/۰۹	۰/۰۴۹		
ارزش نیروی کار زنان	۰/۴۶	۰/۰۰۰		
مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی خانواده	۰/۱۴	۰/۰۲۵	۰/۶۸	۰/۶۷
میزان تحصیلات	-۰/۱۷	۰/۰۳۵		
میزان اعتقاد به سنت ها و باورهای اجتماعی	۰/۲۱	۰/۰۰۲		
ضریب ثابت	۶/۳۲	۰/۰۰۰		

متغیر وابسته (سهم زنان در درآمد خانوار) تغییر ایجاد می گردد، در حالی که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار متغیرهای ارزش نیروی کار زنان، مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی خانواده، میزان تحصیلات و باور به سنت های اجتماعی، به ترتیب به اندازه ۰/۴۶، ۰/۱۴، ۰/۱۷- و ۰/۲۱ در انحراف معیار متغیر وابسته تغییر ایجاد می شود.

قضاوت در مورد سهم و نقش هر یک از ۵ متغیر در تبیین متغیر وابسته را باید به مقادیر بتا (Beta) واگذار کرد. زیرا این مقادیر استاندارد شده بوده و امکان مقایسه ای و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می سازد. براساس مقدار بتای به دست آمده برای متغیر تعداد فرزندان، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار تعداد فرزندان، به اندازه ۰/۰۹- واحد در انحراف معیار

بر اساس مقادیر B معادله رگرسیون را می‌توان به شرح ذیل نوشت:

(۱)

$$Y = 6/32 - 0/09X_1 + 0/46X_2 + 0/14X_3 - 0/17X_4 + 0/21X_5$$

که در آن: Y = سهم زنان روستایی در درآمد خانوار،
 X_1 = تعداد فرزندان، X_2 = ارزش نیروی کار،
 X_3 = مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، X_4 = تحصیلات و
 X_5 = میزان اعتقاد به سنت‌ها و باورها.

تحلیل مسیر:

تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر روی میزان سهم زنان روستایی در درآمد خانوار: جهت سنجش و تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم و متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی سهم زنان روستایی در درآمد خانوار، از روش تحلیل مسیر استفاده شد، که بر اساس نتایج به دست آمده از این تحلیل مسیر، دو متغیر تعداد فرزندان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده به صورت مستقیم، و سه متغیر سنت‌ها و باورهای اجتماعی، نیروی کار و تحصیلات نیز هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته (سهم زنان روستایی در درآمد خانوار)، تأثیر گذاشته‌اند.

الف) متغیرهایی که تنها تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته (سهم زنان روستایی در درآمد خانوار) داشته‌اند:

۱- متغیر مشارکت در تصمیم‌گیری اقتصادی خانواده با ضریب مسیر ۰/۱۴، بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر سهم زنان روستایی در درآمد خانوار داشته است. از این رو، باید اشاره داشت که متغیر مشارکت در تصمیم‌گیری اقتصادی خانواده توانسته ۰/۱۴ درصد از تغییرات سهم زنان روستایی در درآمد خانوار را تبیین کند.

۲- متغیر دوم، تعداد فرزندان بوده که با ضریب مسیر ۰/۰۹-، توانسته ۰/۰۹- درصد از تغییرات متغیر وابسته سهم زنان روستایی در درآمد خانوار را تبیین کند. از طرفی، علامت منفی این ضریب نیز گویای آن است که هرچه بر تعداد فرزندان افزوده شود (از ۷ بیشتر یا از ۳ کمتر شود) به همان نسبت از سهم زنان روستایی در درآمد خانوار کاسته خواهد شد.

ب) متغیرهایی که هم تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم بر متغیر وابسته (سهم زنان روستایی در درآمد خانوار) داشته‌اند: متغیر تحصیلات با مجموع ضریب مسیر ۰/۵۴-، اولین متغیری بود که در کنار تأثیر مستقیم، توانسته به صورت غیرمستقیم نیز بر متغیر وابسته میزان سهم زنان روستایی در درآمد خانوار تأثیر بگذارد. این مقدار ضریب مسیر ضمن دلالت بر اثر کاهنده متغیر مستقل بر متغیر وابسته، دلیل بر آن است که هرچه بر میزان تحصیلات افزوده شود، از میزان سهم زنان روستایی در درآمد خانوار نیز کاسته خواهد شد.

متغیر بعدی، میزان اعتقاد به سنت‌ها و باورهای اجتماعی با مجموع ضریب مسیر ۰/۵۰ می‌باشد که توانسته ۰/۵۰ می‌باشد که درصد از تغییرات متغیر وابسته سهم زنان در درآمد خانوار را تبیین کند. با توجه به این ضریب، هرگونه افزایش در متغیر مستقل اعتقاد به سنت‌ها و باورهای اجتماعی، با افزایش در سهم زنان روستایی در درآمد خانوار همراه خواهد بود.

در نهایت متغیر میزان نیروی کار که مجموع ضریب مسیر آن برابر با ۰/۴۷ بود، علاوه بر تأثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم نیز بر متغیر وابسته سهم زنان روستایی در درآمد خانوار تأثیر گذاشته است. از این رو، می‌توان چنین گفت که هرچه بر میزان نیروی کار افزوده شود، به همان نسبت بر سهم درآمدی زنان روستایی نیز اضافه می‌شود.

در مجموع، متغیرهای تحصیلات (با مجموع ضریب مسیر ۰/۵۴-)، سنت‌ها و باورهای اجتماعی (با مجموع ضریب مسیر ۰/۵۰-)، میزان نیروی کار (با مجموع ضریب مسیر ۰/۴۷-)، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۴) و تعداد فرزندان (با مجموع ضریب مسیر ۰/۰۹-) به ترتیب توانسته‌اند بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته سهم زنان روستایی در درآمد خانوار وارد کنند (جدول ۶).

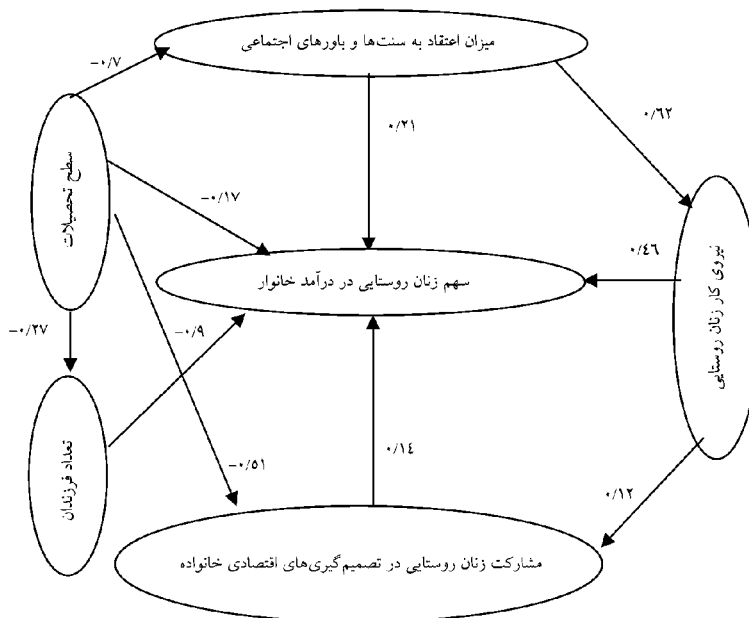
بقیه تغییرات متغیر وابسته یعنی ۳۳ درصد باقی مانده متأثر از عواملی است که در تحقیق مدنظر قرار نگرفته‌اند. مقدار خطا (e^2) از این روش به دست می‌آید:

$$R^2 \rightarrow e^2 - e^2 = 1 = 1 - 0.67 = 0.33 \quad (2)$$

از طرفی، با توجه به مقدار خطا (e^2) که برابر با ۰/۳۳ بود، باید اشاره کرد، که مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده توانسته‌اند ۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته سهم زنان روستایی در درآمد خانوار را توضیح دهند، و

جدول ۶- نتایج حاصل از تحلیل مسیر جهت شناسایی عوامل مؤثر بر سهم زنان روستایی در درآمد خانوار.

ردیف	نام متغیرهای مستقل	نوع تأثیر	
		مستقیم	غیرمستقیم
۱	تحصیلات	-۰/۱۷	-۰/۳۷
۲	سنت‌ها و باورهای اجتماعی	۰/۲۱	۰/۲۹
۳	نیروی کار	۰/۴۶	۰/۰۱
۴	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوار	۰/۱۴	-
۵	تعداد فرزندان	-۰/۰۹	-
	جمع	۰/۵۵	-۰/۰۷



شکل ۱- تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر سهم زنان روستایی در درآمد خانوار.

روستایی در درآمد خانوار رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. به این معنی که هر اندازه تعداد فرزندان خانواده بیشتر باشد، سهم زنان در درآمد خانوار کاهش خواهد یافت. این یافته نشان می‌دهد به دلیل ظرفیت‌های اقتصادی کم در مناطق روستایی، با افزایش تعداد افراد خانواده کم‌کاری و یا بی‌کاری در سطح خانواده خود را بیشتر

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق نشان داد که میزان مشارکت زنان در بسیاری از موارد در فعالیتهای کشاورزی، دام‌پروری و صنایع دستی بالای ۸۰ درصد است (کاسناک‌اوغلو، ۲۰۰۶؛ فائو، ۲۰۰۶؛ شادی‌طلب، ۲۰۰۲). طبق نتایج به دست آمده از تحقیق بین متغیر تعداد فرزندان و میزان سهم زنان

از آنان خواه در عرصه تولید و مشارکت در تصمیم‌گیری و... مشکلاتی را به همراه دارد. با این وجود توجه به موارد زیر می‌تواند کمک مؤثری برای مشارکت آنان در مسایل توسعه روستایی گردد:

۱- ظرفیت‌سازی برای اشتغال کلیه اعضای خانواده از جمله زنان، مردان، دختران و پسران در زمینه‌های اقتصاد کشاورزی و روستایی در جوامع روستایی.

۲- جلب توجه اقشار مختلف جامعه در مورد جایگاه زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصاد روستایی و حساس‌نمودن عموم به موقعیت آنان.

۳- ارائه برنامه‌های ارشادی و آموزشی به‌ویژه در میان زنان به‌منظور تشویق زنان تحصیل‌کرده در اشتغال به فعالیت‌های کشاورزی جهت انجام بهینه کارها و عملی‌تر شدن فعالیت‌ها.

۴- پررنگ‌تر کردن دیدگاه‌ها و سنت‌های تشویق‌کننده کار زنان در جامعه و زمینه‌سازی برای جلب مشارکت زنان در فعالیت‌های خانوادگی و امور اجتماعی از طریق آموزش و فرهنگ‌سازی و...

۵- ارائه تسهیلات و فراهم نمودن زیرساخت‌های دولتی در راستای توانمند کردن زنان.

نشان می‌دهد. همین‌طور یافته‌های تحقیق نشان داد که بین متغیر میزان ارزش نیروی کار زنان و متغیر سهم زنان در درآمد خانوار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که این یافته نشان‌دهنده ارزش‌های اجتماعی تبیین‌کننده توجه به کمیت و کیفیت کار در جامعه روستایی است.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد بین متغیرهای میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده و میزان اعتقاد به سنت‌های اجتماعی و میزان سهم زنان در درآمد خانوار رابطه معنی‌دار و مثبتی برقرار است. این یافته بر اهمیت و جایگاه سنت‌ها بر تأیید نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده است (لهسایی‌زاده، ۲۰۰۰). اما رابطه معنی‌دار و منفی میزان تحصیلات زنان و سهم آنان در درآمد خانوار نشانگر تأثیرات کاذب سطح تحصیلات و بالا رفتن ارزش اجتماعی و در نهایت امتناع از کارهای یدی، حتی در جوامع روستایی است.

در نهایت آنچه از نتیجه این پژوهش به‌دست می‌آید، این است که خانواده در ساختار جامعه روستایی نمی‌تواند یک کانون با محوریت مرد باشد، بلکه دارای کانونی با محوریت هم‌زمان مرد و زن خانواده است. وجود هر یک از آنان چه در مقام تولیدکننده و چه در مقام مدیریت منزل، مکمل یکدیگر می‌باشد و نادیده‌گرفتن نقش هر یک

منابع

1. Agahi, H. 1998. Evaluation of rural women in developing countries. Economic and development quarterly. Agricultural Jihad Ministry Publication, N. 28. 330p. (In Persian).
2. Amiri, S. 1994. Women, the base of human sustainable development. Economic and development quarterly. Press Agricultural Jihad Ministry, N. 25, 340p. (In Persian).
3. Azkia, M. 1998. Development sociology and Iran rural UN developing. Tehran. Etellat press, the seventh edition, 324p. (In Persian).
4. Basset, P. 1994. Declining female labor force participation. Perspective on labor and income. 6: 2. 35-42.
5. Bhuiemail, A., and Sampa, P. 2005. Development of Rural Women through Education and Empowerment. Delhi, Abhijeet Pub, 320p.
6. Bouzari, S. 2000. Women participatory methods in rural development. Sepehr magazine, 10: 40. 21-28. (In Persian).
7. Fani, Z. 1996. Women participation structure in Agricultural development. Economic and development quarterly. Press Agricultural Jihad Ministry, 3: 119-136. (In Persian).
8. FAO. 2006. Gender and agricultural support system. Available at: <http://www.fao.org/sd/WPdirect/WPdoe004.htm>.

9. Golipour Solaymani, A. 2002. Investigating the role of rural women in family economic. The research final report. N13 Available at: [http:// guilan.irib.ir /index.php?option = com_content & task=view&id=2308&Itemid=339](http://guilan.irib.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=2308&Itemid=339). (In Persian).
10. Golizadeh, A. 1998 investigating reasons of rural women in development process in developing countries. Economic and development quarterly. Press Agricultural Jihad Ministry, 27: 171-203. (In Persian).
11. Kar, M. 1999. Women in markets. Tehran. Roshangaran Press, 80p. (In Persian).
12. Kasnakoglu, Z. 2006. Women and agricultural development in the near east. Available at: http://www.skku.ac.kr/WW99/papers/Kasnakoglu_Zehra.pdf.
13. Lahsaizadeh, A.A. 2000. Effective factor in men attitude to women role in society, case study; Shiraz County. J. Hum. and Soc. Sci., 16: 2. 99-130. (In Persian).
14. Movahed, M., Enayat, H., and Gorgi, A. 2004. Socio- economic factors affected on women attitudes' related to gender inequality. Women Research, 3: 2. 95-113. (In Persian).
15. Nihar Ranjan, M., and Sanjary Kumar, M. 2003. Understanding the occupational pattern of labor force in state and districts of India. www.iipsindia.org.
16. Navab Akbar, F. 1996. Rural women roles in previous decade. Economic and development quarterly. Press Agricultural Jihad Ministry, 10: 174-191. (In Persian).
17. Nik kholg, A.A. 2004. Rural Sociology. Tehran University Press, 348p. (In Persian).
18. Odame, H.H., Nancy, H., Gesa, W., and Isolina, B. 2002. Gender and agriculture in the information society. Available at: <http://www.cta.int/observatory2002/index.htm>.
19. Rasolpour-Arabi, H. 1996. Investigating the role of women in economical contexts in Ramsar rural Area County. M.Sc. Thesis. Shahid-Bahonar Kerman. Unpublished, (In Persian).
20. Shaditalab, J. 2002. Development and women challenges in Iran. Gatreh Press, 240p. (In Persian).
21. Senait, S. 2000. Regenerating Agriculture. Earth can Publication, London, (In Persian).
22. Women Participation Center. 2000. Investigating appropriate mechanisms in women work. Country ministry, Women Participation Center. Unpublished, www.3irandoc.ac.ir. 14p.

Study of Influencing Socio-economic Factors on Rural Women Contribution in Household Income A Case Study of Divandarreh County in Kurdistan, Iran

M.S. Olyaic¹, * A. Rezvanfar² and M. Akbari³

¹Ph.D. Student, Dept. of Geography, Science and Research Center of Islamic Azad University, Tehran,

²Associate Prof., Dept. of Agricultural Extension and Education, University of Tehran, Iran,

³Ph.D. Student, Dept. of Agricultural Extension and Education, University of Tehran, Iran

Abstract

The main purpose of this study was to investigate socio-economic factors affecting contribution of rural women and their impacts on family income in the Divandarreh County in Kurdistan Province of Iran. This applied research was done based on survey method. The statistical population includes all married women farmers (N=1770) living in the rural areas of Divandarreh County of Kurdistan. A sample of 177 women was selected by the use of “proportional stratified random sampling” method. A questionnaire was designed and employed to gather the required data. A panel of experts verified its content validity. A pilot study was initially conducted to determine the reliability of the questionnaire. The data were analyzed by SPSSwin_{11.5}. The results showed that there was a significant and positive correlation between rural farmer's women contribution in family income and number of child, value of rural farmers' labor, level of participation in financial decision making of family, educational level, and social believes. The result of multiple regression showed that variables consisting number of child, value of women farmers' labor, participation in financial decision making of family, educational level, and social believes could explain 67% of the variation in the level of women farmers' sharing of family income. In addition, the results of path analysis showed that number of child a participation degree directly and value of rural farmers' labor, educational level and social believes were indirectly affected dependent variable.

Keywords: Rural women; Socio-Economic characteristics; Household income

*- Corresponding Author; Email: arezvan@ut.ac.ir